داکترسیدخلیل الله هاشمیان ۲۰۱۶/۱۱/۱۵

توضیحاتی در رد اتهامات قاسم باز قسمت دوم

مدعیات قاسم باز بمقابل این قلم درسه فقره و 21 ماده قبلا درین پورتال نشر شده، که در رد سه فقره اتهامات او درمقالهٔ مورخ 4 نوامبر 2016اسناد ارائه شده، مشکل قاسم درینست که اونه عضو کودتا ونه عضوکابینهٔ محمد داود خان دردورهٔ جمهوریت بوده، لاکن پدرش مستخدم شخصی محمدهاشم خان ومحمدداودخان بوده وبخاطراین قرابت، قاسم خودرا مدعی العموم داودخان قرارداده، به هیچکس دیگر، بجزخودش، حق قایل نیست که درمسایل 45 سال اخیر وطن خوداظهارنظرکند، درحالیکه شناخت خودش از وقایع گذشته عندی، خاندانی و یکجانبه وناقص میباشد. اینک توضیحاتی در رد 21 ماده اتهامات ومدعیات عندی وناقص او ارائه میشود:

مادهٔاول) قاسم بازهاشمیان رامتهم ساخته که درمجلهٔآئینه افغانستان بضد سفربری داودخان تبلیغات نموده-درراین اتهام بی بنیاداو مقالهٔ مورخ 30 سپتامبر 2016 بعنوان (پیرامون سفربری صدراعظم محمدداودخان)دراین پورتال نشر شده، برای ثبوت این دروغ کفایت میکند.

مادهٔ دوم) قاسم بازمیگویدکه: "هاشمیان همیشه مسئولیت اغتشاش کنررابدوش محمد داود خان انداخته..." درثبوت مسئولیت داودخان بحیث یک جنرال جوان وبی تجربه و ودیکتاتورکه دراغتشاش قوم صافی درکنرزایدازسه هزارنفررا کشته، 20مقالهٔمستند جناب داکترعبدالرحمن زمانی بعنوان(قیام سال1324 صافی های کنر) ازتاریخ14/11/15 تا21 مارچ 2016 درین پورتال نشرشده که درآن روایات جنرالهای افغان واسنادسفارت واستخبارات انگلیس نیزدرج است- البته هاشمیان نیزمعلومات خودرا اززبان موسفیدان کنر درمقاله ای نوشته است. قبلا درمجلهٔ شماره 115 مجلهٔآئینه افغانستان نیزدرین باره مقالاتی نشرشده است. فاجعهٔ کشتار صافیها درزمانی که محمدداودخان یک جنرال جوان وبی تجربه بود، رخ داده، نه دردورهٔ زعامت او بحیث صدراعظم، این فاجعه درزمان صدارت محمدهاشمخان رخ داده بود.

مادهٔ سوم) واقعهٔ قتل محبوسین درتاکاوها وزیرزمینی های ماموریت پولیس قلعهٔ زمان خان بقلم افغانها درمجلهٔ آئینهٔ افغانستان 15 سال قبل یا بیشترنشرشده، و قبل برآ ن درجراید پشاور نشر شده بود- اگرقاسم باز اعتراض یا معلوماتی درآنباره داشت، نظریات ومعلومات افغانها را بایست درهمانوقت رد میکرد.

مادهٔچارم) مرحوم عبدالغفورشرکه دروزارتخارجه یک مدیرلایق درشعبهٔکنفرانسهاوملل متحدبود وبعدابحیث سکرتراول بسفارت پاریس مقررشدکه مرحوم محمدداودخان سفیربود، اشعارومقالات مرحوم شرردرمجلهٔآئینه افغانستان نشرشده- اوبمن گفته بود که مرحوم محمدداودخان شبانه وپای پیاده بسفارت شوروی میرفت واین موضوع درجراید پاریس نیز نشرشده، عین گفتارمرحوم شرربقلم من درمجلهٔآئینهٔ افغانستان چاپ شده مسئول آن میباشم- اگرقاسم اعتراضی داشت درهمانوقت مینوشت که چاپ میشد.

مادهٔپنجم) قاسم مدعی است که "هاشمیان داکترحسن شرق رادرمدت 35 سال کمونست، عضو کا.جی.بی. و یارغار در مجلهٔخود معرفی میکرد، ولی درچندسال اخیرباداکترشرق رفت و آمدومذاکرات تلفونی دارد". شخص خودم بحیث مدیر مسئول یک مجله چون داکترحسن شرق را کافی نمی شناختم، دربارهٔ اوچیزی ننوشته ام- امامقالات زیادی درموردداکتر حسن شرق بقلم افغانها درمجله آئینه نشرشده وگاهی بارتباط آن مقالات منهم تبصره کرده باشم، یک وظیفهٔژورنالستی بوده- این ادعای قاسم درست است که درین اواخربامحترم داکتر حسن شرق تماس داشته ام- این تماس بعد از دیدار و شناخت باداکترحسن شرق درمجالس افغانها درکلفورنیا ازدوسال باینطرف شروع شده است.

تعجب درینجاست که دررسالهٔ(دسترگولیدلی یادشتونه = یادداشتهای چشم دید) که بفرمایش فرزندان مرحوم بازمحمدخان نوشته شده، طنزهای بسیارانتقادآمیز بداکتر حسن شرق حواله شده که بیانگرنارضایتی بازمحمدخان مستخدم داودخان و اولادهای او از حسن شرق میباشد، درحالیکه داکتر شرق رفیق وهمکار داودخان بوده، لهذا من علت این همه طنزها و نارضایتی های آنها را ندانستم.

مادهٔششم) قاسم میگویدکه هاشمیان"ازاشتراک سردارمحمدداودخان درمراسم تشیع جنازهٔ غازی امان الله خان بی باکانه چشم پوشی میکند..." این ادعا بهتان محض است وثبوت این بهتان درنوشته های من درین پورتال وجو ددارد. مرحوم محمدداودخان درمراسم فاتحهٔ غازی امان الله خان درکابل اشتراک کرد، اما درمراسم تدفین جنازهٔ اعلحضرت غازی در جلال اباداشتراک نکرد، بلکه مرحوم مارشال شاه ولیخان اشتراک کرده بود. من درنوشته های خودهمین نکته راروشن ساخته بودم وموردتائید خواننده ها، بشمول آقای نوری آزادی قرارگرفته بود.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مادۀهفتم) قاسم مدعی است که :"هاشمیان ازدشمنان غازی امان الله خان حمایت وتوصیف میکرد، وقتی صدراعظم محمدهاشمخان دشمنان امان الله خان رانابودکرد،هاشمیان هنوز ازدشمنان امان الله خان درمجلۀ خودحمایت وتوصیف میکرد..."- این ادعا از [redacted] حافظۀ [redacted]تهمتگر قاسم برخاسته، من سالهاقبل ازتاسیس مجلۀآئینه ازهواخواهان غازی امان الله خان بودم واین میراث را ازپدرخود گرفته ام - اما انتقاد من ازمتواری ساختن و ضبط وقبض املاک و جایداد ببرک خان خدران وحبس وقتل ملک قیس درزندان وتاراج ملک وجایداد او وعین معامله با لوی خان میرزمانخان وخانوادۀ او، بخاطرظلم صریح و اعمال ضدبشری بوده که درصدارت هاشمخان صورت گرفته، وانتقاد من وصدها افغان دیگر نشرشده است. پدرقاسم، مرحوم بازمحمدخان که نفردوم ضبط احوالات هاشم خان بود، در گیروگرفت های ولایت مشرقی سهم داشته است.

مادۀهشتم) قاسم مدعی است که : "هاشمیان درکابل همرای گروپ پرچمیها ازنزدیک نشست و برخاست داشت..." - من هرگزدرمجالس حزبی یا خصوصی پرچمیها اشتراک نکرده ام چونکه کمونست نبودم، اما بابرک کارمل، اکبرخیبر نورمحمد نور، بارق شفیعی که همسالان من بودند، چندبار دربیرون وهم درخانۀ خود دیده ام، زیرااینها درمکروریان درعین بلاک یادرعقب بلاک ما سکونت داشتندواکثراوقات آنهارادراثنای قدمزدن عصرانه دربین بلاکها میدیدم وصحبت میکردیم- ا گرمن کمونست میبودم، مرا با آن صراحت لهجه که داشتم درپوهنتون نمی ماندند.

مادۀنهم) قاسم میگوید : "هاشمیان تاروز حیات مرحوم ظاهرشاه طرفدارشاه بود، بعداز وفات شاه اعلان نمودکه ظاهر شاهی نیست..." - این ادعا یک بهتان محض است، مردم مرا میشناسند که نه درحیات مرحوم ظاهر شاه"ظاهرشاهی" بودم ونه بعد ازوفات اودشمنش. شناخت ونظرخودرااز وقایع دورۀ سلطنت ظاهرشاه درسی سال مجله داری بصراحت اظهار کرده ام- درروم بعدازآنکه پادشاه پلان صلح خود را اعلان کرد، درسال اول موید و موافق آن پلان بودم، بعدازآن که اشخاص "شتر- گاو- پلنگ مانند" دور ظاهرشاه را گرفتند بمخالفت شروع کردم وتاآخر حتی بارفتن اوبکابل وحمایت او از کرزی مخالفت کردم که درمجله آئینه نشر شده است.

مادۀدهم) قاسم مدعی است که : "یکعده خویشاوندان هاشمیان بخاطردرفشانی هایش با او رفت و آمد ندارند." - این ادعای قاسم حقیقت دارد.

مادۀیازدهم) قاسم مدعیست که: "هاشمیان بالای یک هموطن درهمین پورتال خلاف کرامت انسانی تجاوزعریان کرد..." - اگراین ادعا واقعیت میداشت پورتال افغان- جرمن "آن تجاوزعریان" رانشرنمیتوانست! بهرحال، من چنین تجاوز را بخاطرندارم، قاسم باید نام آن شخص را ذکرکند تامردم دربارۀ اتهام او قضاوت بتوانند.

مادۀ دوازدهم) قاسم میگوید که : "هاشمیان طول سالهای متمادی درآئینه خود بشخصیتهای بزرگوارافغانستان مانند... بشمول پدرم وصدها تن دیگرتوهین وتحقیرنموده..." – متاسفانه درساختمان فکری قاسم تشخیصی بین انتقاد و توهین وتحقیر وجودندارد – البته من درمجلۀ آئینه افغانستان بالای یکتعدادهموطنان خود انتقاد کرده ام وعلت انتقاد هم ذکر شده، اما بالای پدرقاسم (مرحوم بازمحمدخان) هیچوقت انتقاد نکرده ام، اگرگاهی نام پدراورانوشته باشم،اینطورنوشته ام که: "مرحوم بازمحمدخان نفردوم درضبط احوالات بود" یا "مرحوم بازمحمدخان مستخدم شخصی وصادق محمدهاشم خان ومحمد داودخان بود" ودرین دونوشته تحقیروتوهین وجودندارد. امااینکه قاسم ازیک واقعیت، یعنی مستخدم بودن پدرش در نزدهاشم خان وداودخان وازکلمۀ "مستخدم" بد میبرد ودرمقالات خود پدرخود را"یاور" میخواند، اختیاردارد- همه میدانند که کلمۀ "یاور" بشخصی اطلاق شده میتواند که مسلک نظامی داشته باشد- اشخاص مُلکی در نزد پادشاهان وصدراعظمان به القاب (مصاحب) یا (مشاور)خوانده شده اند که پدرشمااین دولقب رانداشت. ولی مستخدم بودن ونوکر بودن یک پیشه وعمل مشروع است، شما چرا از آن بد میبرید وچرا آنرا تحقیر واهانت میدانید؟؟؟ در رساله ای که شهسوارسنگروال نیازی بزبان پشتو نوشته وسرتاپا توصیف خدمتگزاری پدرشما به مرحوم داودخان است، در صفحات این رساله مسایل مختلف مربوط بخدمتگزاری پدرشما نوشته شده که ازآنجمله یکی اینست :

" سرداراودخان راته وویل بازمحمدخانه!داکلی گانی واخله اودبیرون له خواتولی دروازی می داولادونو پسی وتره! دروازی می دده له سپارشتنی سره سمی کلپ کری..." (صفحه 4)- ترجمه: (سردار داودخان بمن گفت بازمحمدخان! این کلیدهارا بگیر وتمام دروازه ها را از بیرون بروی اولادهایم ببند! بسفارش اوهمه دروازه هاراقفل کردم" - درامریۀ فوق مرحوم سرداراودخان به مستخدم خود فقط "بازمحمد خان " خطاب کرده، نه لقب دیگر، و ازعبارت فوق بر می آید که مرحوم بازمحمدخان دروازه وان قابل اعتماد سردار داودخان بوده – دررسالۀ شاغلی نیازی مثالهای زیاد بارتباط خوش خدمتی های پدر شما به ولینعمتش وجود دارد که فعلا بهمین یک مثال اکتفا میکنم.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مادۀسیزده هم) قاسم میگوید"هاشمیان فکرمیکندکه تنهافامیل سادات وی درولایت کنر زندگی میکند، ولی وی نمیداند که پاچاهان خوشنام دیگرنیزدرکنروجود دارد...این هاشمیان است که درآئینۀ خودبیجاکف وچف میکند." - من هرگز ادعای برتری یا بهتری خانوادۀ خودرانکرده ام وفقط گفته ام که مااز سادات کنرمیباشیم- اگرقاسم عوض این دروغ، مثالی ازبلند پروازی مرادر مورد خاندان سادات مینوشت، بهتر میبود.
مادۀچاردهم) قاسم میگویدکه:"هاشمیان میگویدکه پدر صمدحامدمامورپدرم بود... برای پدرداکتر صمدحامد بپاس خدمات شان امیرشهید حبیب الله خان درخوگیانی ننگرهار چندین جریب زمین داده بود..." -ازآنجائیکه دراتهامات دروغین قاسم نام ونشان یک شخصیت محترم افغانستان، مرحوم سردارعبدالرزاق خان ، ذکرشده، مجبورم این تهمت را درحق خود و هم درحق آن مرحوم بطور مستند رد کنم:
درمقالۀ من ازتاریخ 4 اکتوبر2016 بعنوان "توضیحاتی پیرامون مسایل مطروحۀ آقای قاسم باز" که درچند پورتال نشر شده، درسطر 38 صفحۀ دوم آن مقاله، دربارۀ مرحوم سردارعبدالرزاق خان مطالب ذیل از زبان پدرم نوشته شده است:
"مرحوم سردارعبدالرزاق خان(پدرمرحوم داکترصمدحامد)بحیث مصاحب ومشاورمحمدهاشم خان کارمیکرد وهفتۀ یکبار به جلال آباد می آمد- این سردار ازکواسه های نواب عبدالصمدخان است که بالای املاک موروثی جد خود درخوگیانی زندگی میکرد، شخص مصلح، خیرخواه ومهمان نوازبود ودرمنطقۀ خوگیانی وجلا ل آباد مورداحترام مردم قرارداشت – سردارموصوف بگفتۀ پدرم احتیاج وضرورت بماموریت نداشت و از دولت معاش نمیگرفت ، اما بخاطر شهرت و محبوبیتی که درولایت مشرقی داشت، محمد هاشم خان از ایشان بحیث مصاحب ومشاور کارمیگرفت...."
حالا شما هموطنان محترم می بینید که من درمورد مرحوم سردارعبدالرزاق خان چه نوشته ام و قاسم تهمتگر چه تهمت کرده است –علاوتا قاسم ولدبازمحمدخان ازبسیار مسایل تاریخی خبرندارد، مثلا اینکه میگوید "برای پدرداکتر صمدحامد بپاس خدمات شان امیرشهید حبیب الله خان درخوگیانی ننگرهار چندجریب زمین داده بود"، بکلی غلط وبی اساس است. ازمرحوم نواب عبدالصمدخان برادرامیردوست محمدخان املاک زیا د در ولایت مشرقی بمیرات مانده بود، و یکی از کواسه هایش همین سردارعبدالرزاق خان بود که بالای املاک موروثی جد خود درخوگیانی زندگی میکرد – امیرحبیب الله خان به سردارعبدالرزاق خان زمین نداده ، بلکه به پدرکلان قاسم درجملۀ ناقلین زمین داده است. برادرمرحوم داکتر عبدالصمد حامد درجرمنی بحیث داکتر طب کار میکند – خواهر زادۀ شان محترم داکتر یحیی رشید درکلفورنیا حیات دارد که امید است آنها نیز تهمت قاسم را بالای پدرکلان شان رد کنند.
مادۀ پانزدهم) قاسم ازهاشمیان گله دارد که چرا از روی عقده سردار داودخان را "لیونی سردار" میخواند...این اشخاص شعوری میخواهد آن شخصیت را دراذهان مردم کم بیاورد..." – من قاسم رامستحق میشمارم که از ولینعمت پدرش و هم ازشخص پدرش دفاع کند و این دفاع صادقانۀ او نمودار وفاداری به ولینعمت شان میباشد.
این ادعای قاسم درست است که من دردورۀ 30سال ژورنالستی خود مرحوم داود خان را " لیونی سردار" خوانده ام، اما این لقب را من اختراع نکرده ام- هنگامیکه من 15 ساله و متعلم مکتب بودم، مردم قندهاراین لقب را بمرحوم داود خان داده بودند، ومردم مشرقی نیز همین لقب راپذیرفتند وتکرارکردند- اززبان زیردستان نظامی محمدداودخان شنیده شده که آن مرحوم یک جنرال تند مزاج وبسیار با دسپلین بود، وبامردم ملکی نیز درولایات قندهار ومشرقی ازتند مزاجی کارگرفته واین لقب را کمایی کرده است. خانوادۀ قاسم بازکه مستخدمین شخصی وطرف اعتماد سرداراودخان بودند، با تند مزاجی او مواجه نشده، ولینعمت خودرا یک فرشته می پندارند، ولی اذهان مردم دراختیار من یا قاسم نمیباشد- روایاتی از زندان دهمزنگ شنیده شده که محبوسین بازولانه وزنجیر بسته ودرتحت شلاق چوب محمدهاشمخان ومحمدداود خان را دشنام میدادند- یادداشتهای مرحوم میرغلام محمدغبار، کتاب سیدمسعود پوهنیار، چندجلد کتاب آقای خالد صدیق، مقالات مستند داکتر عبدالرحمن زمانی وروایات صدها افغان دیگر، جزء تاریخ مظلومیت مردم افغانستان شده که نمیتوان آنها را نا دیده گرفت. درمورد مرحوم باز محمدخان قبلا نوشته بودم که او بحیث مستخدم شخصی محمدهاشم خان ومحمد داودخان کار میکرد، ومستخدم دوصدراعظم شدن در آن وقت عیب نی، بلکه یک ابتکار وافتخار بود واین افتخار برای هرکس میسر نمیشد. ازجانب دیگر ما ازفرهنگی پیروی میکنیم که احترام بمناسبات شخصی و کرامت انسانی را لازم میشمارد،هکذا مخالفت ها وتضاد عقیده وی روی مسایل اجتماعی، علمی و تاریخی را مجاز میداند.
مادۀ شانزدهم) به ارتباط مرحوم عزیزالله واصفی ، قبلا در بخش اول جواب گفته شده است .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مادۀ هفدهم) قاسم میگوید : "شما هاشمیان چقدر تهمت درمورد بیانیۀ "خطاب بمردم" محمد داود خان گفتید، گاهی گفتید این بیانیه را حزب پرچم نوشته، گاهی گفتید از ماسکو برای وی روان شده..." – متاسفانه قاسم باز یک شخص کمسواد وکم مطالعه میباشد. من هرگز ازقلم خود ننوشته ام که پیام خطاب بمردم ازطرف پرچم یا از ماسکو نوشته شده، اما نظر های مختلف افغانها را درهردومورد دربیولتن خبری آئینه افغانستان نشر کرده ام- برخی ازین مناقشات درویبسایتهای (تول افغانستان)، (افغان –جرمن آنلاین) و(دعوت) نیز نشر شده است - پرچمیها ادعا کردند که بیانیۀ خطاب بمردم را ببرک کارمل نوشته، آنگاه داکترحسن شرق در رد این ادعا چندمقاله نوشته است. اگر شخص دیگری غیراز قاسم باز پیدا شود که اتهام قاسم راتائید کند، هرجریمۀ ای که پورتال افغان – جرمن آنلاین برمن بگذارد، قبولدارمیباشم.

مادۀ هجدهم) قاسم میگوید: "شمادرمورد ملاقات شهید محمد داود خان با برژنف چی اوقی گریها نبود که نکردید، تا آنکه عالیقدرآقای جلیلی جریان حقیقی آن ملاقات رانوشت..."– بلی درست است که من و یکعده دانشمندان دیگر افغان مشاهدات مرحومین صمدغوث و انور نوروز را مدار اعتبار قرار دادیم ومحترم جمیلی صاحب بمشاهدات خودشان اصرار ورزیدند- تفاوت کمی که دربین آن دو مشاهدات وجود دارد، تاحال پابرجاست، واین نوع اختلافات بین دانشمندان وقلم بدستان افغان یک امرطبیعی میباشد. من و جناب جمیلی صاحب، با وجود این اختلاف نظر، دوستی قدیمی و احترام متقابل خود را حفظ کرده ایم. اما قاسم باز که وکیل الدعوا بودن او را کسی قبول ندارد، وقت خود و مردم را درین راه ضایع کرده راهیست.

مادۀ نزدهم) قاسم میگوید که : " دروغ هم اندازه دارد، شما میگوئید که پدرم را بازمحمد منگل، (پدرشما) بازمحمدخان منگل را به هاشم خان معرفی کرده، فاعتبرویا اولولابصار." – اگرهاشمیان چنین دروغی نوشته باشد، دست او ازبریدن است – ودرغیرآن قاسم باز [redacted] پرورده شده، باید ازین دروغ شاخدار خود خجالت بکشد. باردیگر شما هموطنان محترم را بصفحۀ دوم مقالۀ مورخ 4 اکتوبر 2016 ، بعنوان "توضیحاتی پیرامون مسایل مطروحۀ آقای قاسم باز" که درپورتالها نشر شده، معطوف میدارم. درهمان صفحۀ دوم در سطر1 4 دربارۀ چهارنفری که با محمدهاشم خان حاکم اعلی جلال آباد کارمیکردند، اززبان پدر خود چنین نوشته ام که :

"... نفرچهارم بازمحمد خان یک آدم وطنی وازساکنین خوگیانی واز دوستان محمدامین خان بود وهردوی شان در حکومت خوگیانی با پدرم همکاری میکردند، اما محمدامین خان نویسندۀ خوب وهم بمسایل دینی وارد بود – ازجملۀ این چهار نفر، فقط یکنفر(مرحوم بازمحمدخان) از اهالی بومی ولایت مشرقی نبوده، امیرحبیب الله خان به پدر بازمحمدخان درمنطقۀ خوگیانی زمین داده بود ودرجملۀ ناقلین از ولایت جنوبی (پکتیا) به خوگیانی آمده بود – وقتی محمدهاشم خان محمد امین خان را بسفارش سردارعبدالرزاق خان از شغل کتابت در کنر بجلال آباد احضار و مسئول مکتب نو تاسیس در جلال آباد مقررکرد، او بازمحمد خان را هم ازخوگیانی به جلال آباد برده به محمدهاشم خان معرفی کرد وبازمحمدخان بحیث مستخدم شخصی محمدهاشم خان کارمیکرد..."

این مقاله درپورتال افغان – جرمن آنلاین موجوداست، متصدیان این پورتال که شطحیات واتهامات قاسم باز راناخوانده نشرکرده اند، لطفا ببینند وبگویند که درکدام جای شش سطر بالا نوشته ام که "پدرم بازمحمدخان منگل را به محمدهاشم خان معرفی کرده ؟؟؟"

مادۀ بیستم) قاسم باز تائید میکند که ماهوار 36 هزار دالر : "تنها از یک قلم عاید یک تعمیرما که آن ساختمان را به امریکائیها بکرایه داده ایم هاشمیان متذکر گردیده، ولی از دیگر عایدات و معاملات ما خبر ندارد..´" – من میگویم که دولت زیاد، داد وگرفت و عزت و ذلت بدست خداوند است ومن درمورد ثروت شما حسادت ندارم.

مادۀ بیست ویکم) قاسم بازمیگوید که : " هاشمیان برایم یک ایمیل شخصی در یاهو روان کرد وازمن کتاب خاطرات پدرم را که سنگر وال نیازی نوشته تقاضا کرد..."- شما هموطنان باورکنید که من درمدت 34 سال اقامتم درکلفورنیا، نه با (یاهو)، نه به(تویت) و نه با (فیس بوک)، باهیچکدام اینها هیچ تماس نداشته ام وتا امروز اصول وتخنیک تماس گرفتن با این چنل ها را نمیدانم- اگرچه تقاضای یک کتاب عیب وشرم آور نیست، اما من هیچگاه از قاسم باز تقاضای کدام کتاب را نکرده ام. شخص قاسم باز خودش، بدون تقاضای من، کتاب مذکور را که یک رسالۀ کوچک است، بمن ارسال کرده و من هم درمقابل آن سه جلد آثار خود را به او روان کرده ام. البته من دویا سه بار به قاسم باز ایمیل فرستاده ام که جنبۀ نصیحت وسفارشی داشته است . اگر قاسم باز تقاضای مرا برای ارسال رسالۀ نیازی به پورتال افغان جرمن آنلاین نشان بدهد، هرنوع جریمه و ملامتی را قبول میکنم، درغیر آن قاسم باز را باید بحیث یک [redacted] و تهمتگر مسلکی بشناسند.

جواب 21 ماده اتهامات قاسم باز دربالا بسیار صادقانه وباقبول مسئولیت داده شده که هرگاه خودقاسم یا شخص دیگری غش یا تخلف در آن بیابند، باید آنرا بروی کاغذ بریزند که همه افغانها خبرشوند. با عرض احترام .

سیدخلیل الله هاشمیان - 15 نوامبر 2016

بنابه تصمیم قبلی که هیأت مدیرۀ افغان جرمن آنلاین اتخاذ کرده بود تا منبعد اتهامات دو هموطن را در تقابل هدیگر که ضیاع وقت بوده ادامه نشر نخواهند داد. اکنون بنابه به اصرار چند تن از اعضای مدیره و مسئولیت پذیری جناب کاسی یکی از اعضای هیأت مدیره پورتال، نوشتۀ فوق بازهم اجازۀ نشر یافت. افغان جرمن آنلاین

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ